

با نام و یاد آن بهارین حقیقت هستی که بهار را ارزانی محبوب‌ترین مخلوقاتش نمود. بهار پرسش سبزی است که پارسال خود را چگونه گذرانده‌ایم و امسال خود

را چگونه خواهیم گذراند؟ شاید کافی باشد کفش‌های کهنگی را از پای سفرمان بکنیم و زیر سقف خانه آسمان بهتر نگاه کنیم. چشمان ما با هم آشنا، زودتر از آنکه یکدیگر را شناخته باشیم. قلب‌هایمان به هم نزدیک، نزدیک‌تر از آنچه تصور کنیم. ما تکرار یک عشق واحد، اشرف مخلوقات یک خالق.

ما نیز همراه طبیعت، ابرهای سیاه را کنار بزنیم تا چشمان خورشیدمان زیبایی بهار را به نظاره نشیند. بهار همین جاست در دل‌های ما. چه نشانه‌ای از بهار دل، بهتر از قطره اشک ثانیه قبل از تحویل سال! این اشک اگر یک قطره، نشانه باران بهاری دل. بارش باران بهاری بر دل‌هایتان فرخنده باد.

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
شاخه‌های شسته، باران خورده، پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگ‌های سبز بید
عطر نرگس، رقص باد
نغمه شوق پرستوهای شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار
خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها
خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها
خوش به حال غنچه‌های نیمه‌باز
خوش به حال دختر میخک که می‌خندد به ناز
خوش به حال جام لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب
ای دل من گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی‌پوشی به کام
باده رنگین نمی‌بینی به جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می‌که می‌باید تهی است
ای دریا از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریا از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریا از ما اگر کامی‌نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه‌غم را به سنگ
هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ
(فریدون مشیری)

